



بیانات فرمانده کل قوادر دیدار جمعی از پرسنل ارتش جمهوری اسلامی ایران به مناسبت روز ارتش - 25 /فروردین/ 1378

بسم الله الرحمن الرحيم

روز ارتش، همه‌ساله برای نیروهای مسلح، بلکه برای ملت ایران و بخصوص برای ارتش سرافراز جمهوری اسلامی، روز جشن و شادمانی است؛ اما امسال با شهادت یکی از بهترین عناصر ارتش جمهوری اسلامی ایران - شهید علی صیادشیرازی - این شادی با غم و اندوه و تأسف فقدان او آمیخته شد. دنیا از این قبیل حوادث دارد و غمها و شادیاها همیشه با هم آمیخته است. انسان خردمند آن کسی است که هم از غم و هم از شادی عبرت و درس بگیرد؛ راه آینده را پیدا کند و به سمت آن حرکت نماید.

ارتش مسیر خوبی را طی کرده است. همین نکته‌ای که الان آقای سرلشکر شهبازی، فرماندهی ارتش ذکر کردند، نکته‌ی درستی است. ارتش اسلام، در دل ارتش طاغوت شکل گرفت؛ اما نه به صورت یک جمع معدود و محدود. بلکه مبارزان معدود بودند، لیکن مؤمنان بسیار بودند. آن کسانی که علیه مبانی دین و ایمان و ارزشها در آن ارتش جدی بودند، یک اقلیت به شمار می‌رفتند. بعضی از آن اقلیت گریختند؛ بعضی دستگیر و مجازات شدند؛ بعضی هم محو شدند و رفتند. «فاما الرّيب فيذهب جفاء و اما ما ينفع الناس في الارض» (33)؛ آنچه مفید است، آنچه مثل آب حیاتبخش است، می‌ماند؛ اما آنچه زاید و مثل کف است، از بین می‌رود. لذا با پیدا شدن مدیریت اسلامی در کل کشور و نظام اسلامی و ارزشهای اسلامی، برای ایجاد یک ارتش اسلامی مشکلی وجود نداشت و به خودی خود ارتش اسلامی تشکیل شد.

البته بدیهی است که با هر حقیقتی دشمنانی وجود دارد. من به شما عرض کنم، آن کسی که انتظار دارد در جاده‌ی آسفالته‌ی زندگی، بدون هیچ دست‌انداز و بدون هیچ معارض و خطر حرکت کند، انسان ساده‌لوحی است که بالاخره هم با سر خواهد غلتید و از پا در خواهد آمد. جاده‌ی زندگی، جاده‌ی دشواری است؛ جاده‌ی پُرپیچ و خمی است. با هر قدم نزدیکتر شدن به اهداف والای انسانی و الهی، مشکلات و خطرهای تازه‌ای؛ بعضی بزرگتر از مشکلات قبل، بعضی مثل مشکلات قبل یا کوچکتر از آنها، وجود دارد. لذا راه زندگی، راه بی‌دردسری نیست؛ توقع بی‌دردسری نباید داشت.

آنچه برای انسان ضرورت دارد، هشیاری و مراقبت و گم نکردن هدف و منحرف نشدن از راه و تصمیم و عزم قاطع بر رسیدن به اهداف است. این هشیاری که گفتم، این مراقب بودن، این منحرف نشدن، این مواظب خود بودن که برود و درست برود، همان چیزی است که در عرف اسلامی و در فرهنگ قرآن به آن «تقوا» می‌گویند. شما اگر به قرآن نگاه کنید، می‌بینید که همه‌ی خیرات بر تقوا مترتب شده است؛ هم خیرات اخروی و معنوی و روحی، هم خیرات مادی و اجتماعی: «و لو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء و الارض» (34). تقوا موجب می‌شود که زندگی هم شیرین شود، عزت هم به دست بیاید، دشمن هم مأیوس گردد. این مراقبتی که می‌گویند، این است.

امروز در ارتش ما، انسانهای خوب، انسانهای صادق و انسانهایی که بی‌سروصدا برای خدا کار می‌کنند، سختی هم دارند، بعضی محرومیتها هم دارند، مشکلات هم دارند؛ اما در محیط زندگی و در محیط کار، با همه‌ی این مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنند؛ با دلگرمی و با روحیه، چه در مرکز، چه در نقاط دور دست و چه در فلان پادگان دور افتاده‌ی بین بیابانها کار خودشان را خوب انجام می‌دهند. از این قبیل اشخاص ما در ارتش کم نداریم؛ الی ماشاءالله وجود دارند. این شهید هم چنین آدمی بود.



من تقریباً از اولین روزهای پیروزی انقلاب این شهید را شناختم. از اصفهان پیش ما می‌آمد، گزارش می‌داد و کمک می‌خواست؛ از آن وقت ما با ایشان آشنا شدیم. او سپس به کردستان رفت و بعد هم در دوران جنگ تحمیلی فعالیت کرد؛ بعد از جنگ هم که معلوم است. این که شما می‌بینید یک ملت، بزرگش، کوچکش، زن و مردش، جوانش، پیرش، امروزیش، دیروزیش، برای ابراز احترام به پیکر این شهید، یک اجتماع عظیم را به وجود می‌آورند - که جزو تشییع‌های کم نظیر در دوران انقلاب بود - به خاطر همین اخلاص و همین صفاست. خدای متعال دلها را متوجه می‌کند. ما این را لازم داریم و الحمدلله امروز هم افراد این گونه داریم.

مواظب دشمن باشید. خصوصیت ارتش این است که مراقب دشمن است؛ چون از مرزها همیشه حراست می‌کند. پس، مراقب دشمن بودن، خصوصیتی است که برای ارتش ناآشنا نیست. ارتشیان عزیز! مراقب دشمن باشید؛ نه فقط دشمنی که از مرز حمله می‌کند، بلکه دشمنی که به مرزهای درون وجود ما حمله می‌کند؛ اراده‌ی ما را تضعیف می‌کند، ایمان ما را تضعیف می‌کند، عزم قاطع ما را بر کار کردن تضعیف می‌کند، عمل ما را از خلوص و صفا خالی می‌کند. دشمن حقیقی این است. اگر ما توانستیم با این دشمن دست و پنجه نرم کنیم و بینی او را به خاک بمالیم، آن وقت در مقابل آن دشمن بیرونی دست ما پُر است. آن کسی که در میدان جنگ دچار هزیمت می‌شود، قبلاً در درون خود دچار هزیمت شده است. اگر در درون خود دچار هزیمت نشویم، در بیرون هیچ دشمنی نمی‌تواند ما را منهزم کند.

اگر همه‌ی ارتشهای دنیا بتوانند در زیر ظاهر تشریفات براق ارتشها - که لازم هم هست - یک عزم قوی، یک ایمان راسخ به یک هدف، یک خویشتنداری قابل قبول و یک اعتماد به آینده ذخیره کنند، این ارتشها مقتدر و قوی پنجه خواهند شد. اگر این ایمانی که در درون هست، ایمان راسخ به خدا باشد - مثل این که در مورد مؤمنین هست، در مورد شما هست - آن وقت هیچ چیزی نمی‌تواند انسان را در هیچ میدانی دچار هزیمت کند؛ شما باید از این مرزها حراست کنید. البته دشمن - همان طور که گفتم - هیچ وقت غافل نیست. در بهترین حالات، با مسائل جهانی، با روابط بین‌المللی، در مواجهه با شیرینترین لبخندهای دیپلماسی، در مبادله‌ی گرمترین درودها و سلامهایی که مسؤولان و رؤسای سیاسی دنیا به یکدیگر تحویل می‌دهند، در هر کدام از آنها باید مراقب دشمنی باشند؛ چون عالم دیپلماسی و روابط بین‌الملل و مسائل جهانی، عالم صفا و صداقت که نیست. دشمن، همان عنصری است که می‌خواهد یک ملت و یک کشور را از ابزارهای اقتدارش تهیدست کند. ابزارهای اقتدار و عزت کنونی ملت ما چیست؟ ایمان، عزم راسخ الهی، کار برای خدا، احساس سربازی دین خدا. اینهاست که ملت ما را عزیز کرده است؛ اینهاست که انسانهای پولادین به وجود آورده است و می‌آورد و می‌تواند مقابله کنند. دشمنان می‌خواهند این خصوصیات را از جوانمردان و انسانهای والای کشور بگیرند.

البته کار دشمن قابل فهم است. قابل فهم است که دشمن بخواهد مردم را از ایمانشان، از تقوایشان، از روحیه‌ی غیرت دینی‌شان، از عزم راسخشان و از امیدشان تهیدست کند. دشمن در این صدد است؛ منتها بعضیها که شاید دشمن هم نیستند، ندانسته، نفهمیده و با غفلت کارهایی می‌کنند که نتیجه‌ی آن کارها، بی‌ایمانی مردم، نومیدی مردم و تردید و تزلزل روحی در مردم است. در مقابل اینها، خودتان را، خانواده‌هایتان را، افراد زیر دست و عناصر مرتبط با خودتان را مصونیت ببخشید. اگر ملتی، ارتشی، سازمان مسلحی بتواند در درون خود مرز این دشمنی را ببندد، هیچ چیزی نمی‌تواند بر او غلبه کند. شما در این راه باید تلاش مستمر و دائمی بکنید. البته من از اول انقلاب با اعماق و بطون ارتش آشنا بوده‌ام؛ الان هم همین طور است. گواهی من این است که ارتش روزبه‌روز بهتر شده است. کارایی هم با همین بهتر شدن است و شما بایستی بر روی این نقطه تکیه کنید.

البته هر بنایی پایه‌هایی دارد. یک ارتش بایستی آموزشی، انضباطش، تحقیقاتش، تسلیحاتش، سازندگیش، سازماندهیش - همین چیزهایی که لازم دارد - به اندازه وجود داشته باشد. گاهی ممکن است سختیها و



کمیابدهایی پیش بیاید؛ دائمی و ابدی که نیست. ما یک کشور ثروتمندیم؛ حالا در اثر پاره‌ای عوارض، ممکن است در برهه‌ای از زمان، دولتهایی که هستند، نتوانند؛ مشکلاتی داشته باشند، کمیابدهایی داشته باشند. بایستی با تکیه‌ی بر همان روحیه‌ی ابتکار و تصمیم و عزم، کمیابدها و دورانه‌ی سخت را گذرانند و خود را به دورانه‌ی بهتر رسانند؛ که این کار بحمدالله در بخشها و فصله‌ی مهمی از فصول انقلاب ما انجام گرفته است؛ بعد از این هم انجام خواهد گرفت.

امیدواریم که ان شاءالله خدای متعال امسال هم این روز ارتش را بر ارتش جمهوری اسلامی ایران و بر نیروهای مسلح مبارک فرماید و خون مظلومانه‌ی این شهید عزیز اخیر ما را هم مایه‌ی استحکام ارزشها و رسوخ هرچه بیشتر ایمان و عزم و اراده و پیمودن صراط مستقیم در یکایک آحاد نیروهای مسلح قرار دهد و شما برادران عزیز را در کاری که بر عهده دارید، موفق و مؤید و منصور فرماید.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

(33) رعد: 17

(34) اعراف: 96